

## اعجاز اخلاقی قرآن کریم؛ تاریخچه و ویژگی‌ها\*

محمدعلی رضایی اصفهانی\*\* و علی نجفی نژاد\*\*\*

### چکیده

اعجاز قرآن از صدر اسلام تاکنون مورد توجه عالمان بوده است و در هر دوره‌ای از تاریخ یک یا چند وجه از وجوه اعجاز قرآن طرح، بررسی و تحلیل شده است. یکی از وجوه اعجاز قرآن که در قرن حاضر مورد توجه ویژه قرآن‌پژوهان قرار گرفته، اعجاز اخلاقی قرآن کریم است. این وجه از اعجاز در صورت اثبات دارای ثمرات و آثار فراوانی در افراد و جوامع است. سؤال مهم این است که آیا اعجاز اخلاقی پیشینه‌ای در تاریخ اسلام دارد یا خیر؟ و بر فرض اثبات آن، چه آثار و ویژگی‌هایی بر آن مترتب است؟ و چگونه می‌توان آن را در جوامع مختلف، عملی نمود؟

این نوشتار در صدد است تا موضوع اخلاقیات قرآن را با اعجاز اخلاقی آن جدا نماید و رویکردهای متصور در این وجه از اعجاز را تبیین نماید و در تلاش است تا تصویری کامل از اهتمام عالمان به این وجه اعجاز را عرضه نماید و خلأهایی را که ذیل این موضوع وجود دارد، نشان دهد. از رویکردهای اعجاز اخلاقی قرآن کریم، تحوّل است که در جامعه جاهلی صدر اسلام ایجاد کرده است، در پایان، ویژگی‌های این تحوّل که تکرار آنها در زمان‌های مختلف تأثیر مثبت دارد، بیان شده است.

واژگان کلیدی: قرآن، اخلاق، اعجاز اخلاقی، تحوّل اخلاقی.

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۱ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۱۰/۹.

\*\* استاد جامعه المصطفیٰ العالمیه: Rezaee.quran@gmail.com

\*\*\* دانش‌آموخته دکتری مدرسی معارف اسلامی دانشگاه قرآن و حدیث (نویسنده مسئول): Najafi80a@gmail.com

## مقدمه

بدون شک عرب‌های جزیره العرب در عصر نزول دچار انحراف و انحطاط اخلاقی و فکری بودند. شرک و بت‌پرستی سراسر زندگی فردی و اجتماعی آنان را فرا گرفته بود. از نظر اجتماعی دچار هرج و مرج و بی بندوباری بودند. شهوت‌رانی و قدرت، دو عامل اساسی در تنظیم روابط اجتماعی آنان بود و در یک کلام، جامعه‌ای جاهلی به معنای واقعی کلمه پدید آمده بود. در چنین فضایی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مبعوث شد و هدف بعثت خود را «اتمام مکارم اخلاق» معرفی کرد (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۱۶ / ۲۱۰ و ۶۷ / ۳۷۲؛ متقی هندی، کنزالعمال، ۱۴۰۱: ۱۶ / ۳)؛ بنابراین، با نزول قرآن، شخصیت اخلاقی آن حضرت شکل گرفت و توانست بر اساس آیات قرآن کریم در مدت کوتاهی تحولات گسترده‌ای در ابعاد گوناگون اخلاقی، اعتقادی، اجتماعی، اقتصادی و ... ایجاد کند و آنان را از انحطاط و ضلالت به سوی تعالی و تکامل رهنمون سازد. اعراب متفرق را به امتی واحد تبدیل کرد و عربستان را پایگاهی برای گسترش رسالت جهانی اسلام گردانید.

چنین می‌نماید که اگر این تحول، خوب بررسی شود و راهکارها و روش‌های پیدایش آن واکاوی گردد، می‌توان این مسئله را طرح کرد که این کار، سریع و عمیق، به صورت عادی از دست مکاتب و کتاب‌های اخلاقی بشری نمی‌تواند صادر شود، بلکه باید معجزه‌ای صورت گرفته باشد. چنین نگاهی در آثار قرآنی و تاریخی گذشتگان زیاد به چشم نمی‌خورد و حتی کسانی هم که با این دید به نقش اخلاقی قرآن نگریسته‌اند، به بررسی تمام جوانب آن به صورت مفصل و کامل نپرداخته‌اند. مهم‌تر اینکه چگونه می‌توان دوباره این تحول را در دیگر جوامع بشری عملی نمود.

این نوشتار ضمن تعریف مختصری از اعجاز اخلاقی قرآن، رویکردهای قابل تصور در آن و نیز ویژگی‌های مهم‌ترین ثمره اعجاز اخلاقی، یعنی تحول اخلاقی در جامعه عرب جاهلی صدر نزول را مورد بحث قرار داده است.

## ۱. مفهوم شناسی

اعجاز اخلاقی قرآن کریم زیر مجموعه اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم انسانی است (رضایی اصفهانی، علوم قرآن (۲)، ۱۳۹۲: ۷۴) که تا به حال، تعریف کامل و جداگانه‌ای از آن ارائه نشده است، اما با توجه به مطالب مطرح شده در این باره می‌توان آن را چنین تعریف

نمود: «در قرآن کریم گزاره‌های اخلاقی‌ای وجود دارد که در هیچ مکتب و کتاب آسمانی نیست و می‌توان از آن گزاره‌ها یک نظام اخلاقی منحصر به فرد را به دست آورد که با عمل به این نظام اخلاقی، تحولی عمیق و متعالی در افراد و جامعه ایجاد می‌شود».

## ۲. رویکردها

همان‌طور که از تعریف مذکور به دست می‌آید، اعجاز اخلاقی سه جهت یا رویکرد دارد:

### الف) رویکرد گزاره‌ای

این رویکرد بدین معناست که تعالیم اخلاقی یا اخبار اخلاقی قرآن کریم، به صورت موضوعی یا ترتیبی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد تا پیشینه وجودی یا عدمی این مطالب یا اخبار اخلاقی روشن شود که در این صورت، اگر ارائه آن منحصر به بیان قرآن کریم بود، اعجاز اخلاقی قرآن از این جهت ثابت می‌شود.

درباره آیات و اخبار اخلاقی قرآن از صدر اسلام تا کنون آثار بسیاری نگاشته شده است، اما درباره اعجاز اخلاقی، آثار بسیار کم است یا شاید اصلاً پژوهشی مستقل و مفصل با دید اعجاز به گزاره‌ها و تعالیم اخلاقی قرآن نوشته نشده است.

البته مرحوم بلاغی، در کتاب تفسیر خود گاه آموزه‌های اخلاقی قرآن و عهدین را با یکدیگر مقایسه کرده و تلاش نموده نشان دهد که چقدر بین آنها فاصله است؛ زیرا در عهد قدیم و جدید برخی آموزه‌ها بسیار منحنط بیان شده است و گاهی همراه با تحریف می‌باشد (بلاغی، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، ۱۴۲۰: ۱۵).

نمونه‌های ذیل از گزاره‌های اخلاقی است که در حد معجزه می‌تواند تحلیل و بررسی شود:

اخلاق نیکو: ﴿خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ﴾ (اعراف/۱۹۹)؛

سخاوت: ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾

(آل عمران / ۹۲)؛

عدالت در مجازات: ﴿وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ﴾ (نحل / ۱۲۶).

با توجه به این نمونه‌ها برخی از محققان گفته‌اند، «ادعای اعجاز» در این رویکرد نه از سوی کسی طرح شده و نه در صورت طرح پذیرفتنی خواهد بود (حق پناه، رویکردهای اعجاز اخلاقی، ۱۳۹۰: ۲۶).

در مقابل، برخی دیگر از محققان با «توسعه دادن» مفهوم گزاره‌های اخلاقی بیان می‌نمایند که اعجاز اخلاقی از این جهات طرح شدنی و حتی اثبات‌پذیر می‌باشد (اسکندرلو، بررسی اعجاز اخلاقی قرآن، ۱۳۹۰: ۱۱۳). از نظر این گروه «گزاره‌های اخلاقی» شامل مجموعه‌ای از مباحث اخلاقی می‌شود؛ مانند: معرفی الگوهای اخلاقی، رعایت بالاترین سطح عفت گفتاری در مسائل جنسی، خبر دادن قرآن از صفات اخلاقی انسان‌ها، خبردهی از اخلاق نیک و بد گذشتگان، و تصویرسازی برای ناپسند یا پسندیده جلوه دادن ردائل یا فضائل اخلاقی. ذکر برخی از این موارد در قرآن کریم منحصر به فرد است و در هیچ یک از کتب آسمانی پیشین و مراکز علمی سابقه‌ای ندارد؛ بنابراین، می‌تواند اعجاز اخلاقی قرآن با رویکرد گزاره‌ای ثابت شود و مورد پذیرش قرار گیرد (همان). برای مثال، این گروه آیه شریفه: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَذِكْرٍ» (احزاب / ۲۱) را معجزه دانسته‌اند؛ زیرا معرفی چنین الگویی پیش از قرآن و پس از آن ثبت نشده است (همان، ۱۱۸) یا آیاتی که خبر از صفات اخلاقی انسان‌ها می‌دهد و انسان را عجول (انبیاء/۳۷)، آزمند (معاارج/۱۹) و بخیل (معاارج/۱۹) معرفی می‌کند. همه اینها نوعی رازگویی از سرشت اخلاقی انسان‌هاست که به عنوان معجزه مطرح است (همان، ۱۲۰). نیز آیه‌ای که ویژگی اخلاقی حضرت نوح علیه السلام را سپاسگزاری (اسراء/ ۳) معرفی کرده یا آیه‌ای که از کم‌فروشی و فساد قوم شعیب علیه السلام (شعراء/ ۱۸۱-۱۸۳) خبر داده است (همان، ۱۲۱).

دسته دیگر از گزاره‌های اخلاقی قرآن که می‌تواند معجزه باشد، آیاتی است که برای بیان جایگاه و توضیح پلید بودن یک عادت اخلاقی ناپسند، واقعیت آن رفتار اخلاقی را برای مخاطب تصویرسازی نموده است (ر.ک: رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، ۱۳۹۲: ۵۰۲)؛ برای مثال، آیه‌ای که طبق آن غیبت کردن مانند خوردن گوشت برادر مرده است (حجرات/ ۱۲) یا آیه‌ای خوردن اموال یتیم از روی ظلم را مساوی با آتش در شکم خود فرو بردن می‌داند (نساء/ ۱۰) از این گونه است در مقابل، آیاتی وجود دارد که حقیقت باطنی کارهای خیر را بیان می‌کند مانند: انفاق مثل کاشتن دانه‌ای است که هفتصد برابر می‌شود (بقره/ ۲۶۱).

از نظر این گروه، این نوع از بیان، مخصوص قرآن کریم است و قبل و بعد از قرآن کسی نتوانسته چنین گفتاری را از نزد خود بیاورد (رضایی اصفهانی، علوم قرآن ۲، ۱۳۹۲: ۲۱۰؛ اسکندرلو، بررسی اعجاز اخلاقی قرآن، ۱۳۹۰: ۱۲۲ - ۱۲۳).

## ب) رویکرد نظام‌واره‌ای

این رویکرد در صدد اثبات این موضوع است که قرآن در حیطه اخلاق دارای مبانی انسان‌شناسی، جهان‌شناسی و معرفت‌شناسی خاص خود است و اصول و قواعدی مخصوص دارد که در مجموع «نظام اخلاقی قرآن» را تشکیل می‌دهد. در واقع، نظام به مجموعه‌ای متناسب و متناسق از گزاره‌ها اطلاق می‌شود که در تعامل با یکدیگر هستند و در پیوند متقابل و متوازن به تفسیر هماهنگ مجموعه‌ای از اشیا یا پدیده‌ها می‌پردازند.

برای تبیین نظام اخلاقی اسلام، لازم است ساحت‌های انسان مدنظر قرار گیرد. از نظر دین، انسان دو ساحت مادی و معنوی دارد و بر خلاف دیگر مکاتب اخلاقی، اسلام به تکامل هر دو ساحت همراه با حفظ کرامت انسانی اهتمام دارد. به همین دلیل، قوانین و آموزه‌های خود را متناسب با آنها عرضه نموده است (همان: ۲۸). اگر جامعه‌ای دارای نظام اخلاقی قوی نباشد، نمی‌تواند ثبات داشته، سعادت‌مند گردد؛ هر چند قوانین حقوقی و جزایی و مدنی پیشرفته‌ای داشته باشد. در واقع، نظام اخلاقی پایه و مبنای نظام حقوقی شمرده می‌شود (مهدوی‌کنی، ساختار گزاره‌های اخلاقی قرآن، ۱۳۸۶: ۳۲).

با بررسی آیات قرآن دانسته می‌شود که اهداف نظام اخلاقی قرآن اموری مانند «قرب به خدا» (توبه/ ۲۰-۲۱) و «تزکیه نفس» (شمس / ۹-۱۰) است. همچنین برخی از ویژگی‌های نظام اخلاقی قرآن بدین قرار است: ارزش‌گذاری انگیزه بر مبنای عمل؛ الزام‌آور بودن دستورهای اخلاقی قرآن؛ رابطه و پیوند ناگسستنی اخلاق با فقه و حقوق؛ جمع بین وعد و وعید؛ نفی رهبانیت در مباحث اخلاقی؛ استفاده از شیوه‌های جامع و گاه منحصر به فرد؛ و توجه به آخرت و اصالت روح در مقابل بدن (حق‌پناه، رویکردهای اعجاز اخلاقی قرآن، ۱۳۹۰: ۲۸).

همه جوانب این رویکرد از اعجاز اخلاقی نیز تا به حال دقیق و کامل مورد بررسی و تحلیل قرار نگرفته است.

## ج) رویکرد تحول‌گرایانه

این رویکرد بر این موضوع تأکید می‌کند که قرآن کریم در دوره‌ی کوتاه زمان نزول خود توانست اخلاق جاهلی صدر اسلام را - که به تعبیر خود قرآن در نهایت تاریکی و سقوط (آل عمران / ۱۰۳) و در گمراهی آشکار (آل عمران / ۱۶۴) بود - به جامعه‌ای اخلاق مدار تبدیل

نماید، به گونه‌ای که به طور معمول دیگر مکاتب اخلاقی جهان نمی‌توانند چنین تأثیر سریع و عمیقی را بر پیروان خود بگذارند. اثبات این رویکرد مستلزم آشنایی با وضعیت اخلاقی قبل از اسلام است که در اصطلاح به آن «دوران جاهلیت» گفته می‌شود.

در میان عرب جاهلی صفات اخلاقی مثبتی مانند شجاعت، سخاوت، مروت و وفاداری به صورت بسیار برجسته به چشم می‌خورد. با این حال، این صفات فقط از جهت اسم شبیه فضایل اخلاقی هستند و گرنه ماهیت آنها چیزی جز قدرت‌گرایی، قبیله محوری و خودخواهی نیست؛ برای مثال، درباره شجاعت گفته‌اند که مجد و شرافت قبیله‌ای در میان اعراب جاهلی تا حد زیادی وابسته به قدرت و شجاعت بود. برای عرب بادیه، خونین‌ترین جنگ‌ها سرچشمه حیات و شرافت بود. برای عرب جاهلی هیچ چیز شرم‌آورتر و ننگین‌تر از این نبود که بگویند در میدان جنگ پشت به دشمن کرده است. این امر نه تنها برای خود او فزونی و رسوایی بزرگی بود، بلکه به مجد و شرف قبیله او نیز لطمه‌ای سنگین وارد می‌ساخت (ایزوتسو، مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن، ۱۳۸۸: ۱۷۳).

شجاعت مرد عرب را از شمار پیکارهایی که انجام داده بود، می‌سنجیدند (حتی، تاریخ عرب، ۱۳۶۶: ۱۲۱). یکی از کارکردهای شجاعت در فراهم آوردن نیازهای روزمره‌ی عرب بود و این کار را بیشتر با توسل به زور، یعنی با غارت و چپاول انجام می‌داد (همان: ۳۲ - ۳۳). شجاعتی که مد نظر اعراب جاهلی بود، چیزی بهتر از ظلم و بی‌عدالتی و وحشی‌گری غیر انسانی نبود؛ به گونه‌ای که به هر کس خارج از محدوده‌ی قبیله خود حمله می‌کردند و به آن افتخار می‌کردند (ایزوتسو، مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن، ۱۳۸۸: ۱۶۹).

درباره‌ی سخاوت عرب جاهلی گفته‌اند که عرب صحراگرد در زمان صلح و آرامش بخشنده و جوانمرد بود و در بخشش بسیار مبالغه می‌کرد و بخشش و کرم را از مظاهر سیادت، اصالت، نجابت و شرافت می‌دانست (سالم، تاریخ عرب قبل از اسلام، ۱۳۸۳: ۳۴۲)؛ هر چه عمل سخاوت مفرط‌تر و چشم‌گیرتر می‌بود، تحسین بیشتری بر می‌انگیخت.

قماربازی عرب جاهلی نیز به سخاوت آنان بر می‌گشت. ثروت‌مندان بر سر گوسفند و شتر قمار می‌کردند و چون یکی می‌برد، گوشت‌ها را بین نیازمندان تقسیم می‌کرد؛ به همین دلیل، شاعران جاهلی قماربازان را ستایش می‌کردند و کسانی را که قمار نمی‌باختند، نکوهش کرده و بخیل می‌نامیدند (آلوسی، بلوغ الارب فی معرفة احوال العرب، ۱۴۱۷: ۱ / ۷۱).

البته کرم و بخشش لازمه زندگی صحرائی آن زمان بود و شاید حق مهمان را به جا آوردن، درسی بوده که طبیعت به آنان آموخته بود؛ به همین دلیل، اعتقاد داشتند، میزبان هرچند فقیر است، باید آنچه دارد به مهمانی که از دور یا نزدیک آمده، تقدیم کند و او را از قحطی صحرا نجات دهد (همان: ۵۷۶).

انگیزه سخاوت همیشه خیرخواهی و عطوفت نبود، بلکه در درجه نخست و بیش از همه چیز ناشی از مردانگی بود. مردی که می‌توانست نمایشی شاهانه از سخاوتمندی خویش بدهد، قهرمان واقعی صحرا بود (ایزوتسو، مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن، ۱۳۸۸: ۱۵۴).  
 درباره فضیلت وفاداری جاهلی، چنان که می‌توان انتظار داشت، عمدتاً موضوعی بود مربوط به خویشاوندی از راه خون. در این قلمروی محدود، وفاداری سلطه‌ای مطلق و رفیع داشت که گاه به صورت ایثار و فداکاری بدون چشم‌داشت به خاطر خویشان و اخلاص وفادارانه به دوستان و نیز عرضه بیشترین حد امانت داری و پایبندی به حفظ پیمانی که یک شخص تعهد کرده بود، تجلی می‌یافت (همان: ۱۷۶).

در جامعه‌ای که اخلاقیات پسندیده آن چنین باشد، ردائیل اخلاقی آن ناگفته پیداست که تا چه حدی از پستی و حق‌کشی قرار دارد.

### ۳. تاریخچه اعجاز اخلاقی قرآن کریم

بحث اعجاز قرآن با نزول آیات تحدی مطرح شده و پس از آن در کلمات پیامبر ﷺ و معصومان علیهم‌السلام به مناسبت‌های مختلف به کار برده شده است (ر.ک: مجلسی، بحار الأنوار، ۱۴۰۳: ۱۷/۸۹ به بعد؛ کلینی، الکافی، ۱۴۲۹: ۱/۲۵۴؛ مؤدب، اعجاز قرآن: ۳۷ - ۵۵). البته در قرآن و احادیث و کلمات عالمان سده‌های نخست، کمتر از واژه معجزه برای این مقصود استفاده شده است. بررسی سیر تاریخی اعجاز قرآن و ابعاد آن به خصوص اعجاز اخلاقی قرآن کریم می‌تواند جایگاه بحث را بهتر آشکار سازد.

در دو قرن ابتدایی اسلام، موضوع اعجاز قرآن به عنوان یک موضوع مستقل برای بحث و تحلیل نبود. تا چه رسد به اینکه موضوع اعجاز اخلاقی مورد بحث قرار گیرد. در این دوره، عالمان مسلمان بیشتر جنبه فصاحت و بلاغت قرآن، اخبار غیبی و عدم اختلاف در قرآن را به عنوان اعجاز قرآن مطرح می‌کردند؛ یعنی همان وجوهی که صریحاً در آیات مطرح شده بود (ر.ک: رضایی اصفهانی، علوم قرآن ۲: ۷۱ - ۲۰۲؛ سیدی، سیر تاریخی اعجاز قرآن، ۱۳۹۲: ۴۵ به بعد).  
 در واقع، به معارف و محتوای قرآن به ویژه اخلاقیات قرآن با دید اعجاز نگریسته نمی‌شد.

نخستین گام‌های عملی در مسأله اعجاز را باید در آثار مفسران، متکلمان و ادیبان قرن سوم جست‌وجو کرد. در این قرن، مباحثات علمی میان مسلمانان و ملحدان فراوان شده بود. به همین جهت، گروهی به دفاع از حقانیت قرآن پرداختند. در قرن چهارم نیز متکلمان بزرگ همچنان در معارضه با تلاش‌های قرآن ستیزان، سعی کردند از اعجاز و شکوه قرآن دفاع کنند. در قرن پنجم نسبت به قرون گذشته، موضوع اعجاز قرآن به ویژه نظریه صرفه رونق بیشتری یافت. در قرن ششم عالمانی مانند زمخشری (م. ۵۳۸ق)، قاضی عیاض (م. ۵۴۴ق)، طبرسی (م. ۵۴۸ق) و قطب الدین راوندی (م. ۵۷۳ق) درباره اعجاز قرآن آثاری از خود باقی گذاشتند، اما موضوع اعجاز اخلاقی همچنان مسکوت مانده است.

البته اولین جرقه‌های اعجاز اخلاقی قرآن در این قرن توسط دانشمند معروف ابو حامد غزالی (م. ۵۰۵ق) زده شد. وی در کتاب «احیاء علوم الدین» بیان می‌کند که قرآن از همه جهات معجزه است و در بردارنده همه علوم است. ایشان برای اثبات کلام خود چنین استدلال می‌کند:

«همه علوم در افعال و صفات خداوند است و قرآن کریم شرح ذات، افعال و صفات خداوندی است. علوم پایان ناپذیرند و قرآن به بنیادهای آن اشاره کرده است و درجات انسان‌ها با توجه به عمق فهمشان از قرآن است و ظاهر قرآن به این مطالب اشاره ندارد» (غزالی، احیاء علوم الدین و بهامشه تخریج الحافظ العراقي، بی‌تا: ۳/ ۱۳۵).

وی در جای دیگر می‌گوید: قرآن برای این هدف فرستاده شده است که تحولی در قلب و عمل انسان‌ها به وجود آورد: «فالقرآن یراد لاستجلاب هذه الاحوال الى القلب و العمل به و الاّ فالمؤنة فی تحریک اللسان بحروفه خفیفة» (همان: ۱۳۰) و در توضیح حدیث «تلاوة القرآن حق تلاوته» می‌گوید: «حق تلاوت قرآن این است که زبان، عقل و قلب در آن همکاری کنند. بهره زبان تصحیح حروف است که با ترتیل خواندن است؛ بهره عقل تفسیر معانی قرآن است و بهره قلب پندپذیری و اثر پذیرفتن از اوامر و نواهی قرآن است» (همان: ۱۳۱). وی در همین باب موارد فراوانی را ذکر می‌کند که قرآن توانسته است در اخلاق عرب جاهلی اثر کند و آنان را دچار انقلاب روحی نماید.

در قرن هفتم علی بن میثم بحرانی (م. ۶۹۹ق) متکلم و شارح نهج البلاغه، معتقد است قرآن از نظر محتوا مشتمل بر علوم ارجمندی مانند توحید، اخلاق، سیاست، کیفیت سیر و سلوک به سوی خداوند، احوال ملت‌های گذشته، امور آینده و غیبی است که به هیچ وجه



نمی‌توان آنها را در سخنان و گفته‌های متعارف بشری نشان داد (ابن میثم بحرانی، قواعد المرام فی علم الکلام، ۱۴۳۵: ۱۳۲). وی با این کلام محتوای قرآن را در همه جهات از جمله اخلاق، معجزه می‌داند.

از این قرن به بعد درباره عجاز اخلاقی قرآن تقریباً سخنی در خور توجه مطرح نشد تا اینکه در قرن دوازدهم علامه مجلسی (م. ۱۱۱۰ق) باز موضوع عجاز اخلاقی قرآن را مطرح نمود. ایشان وقتی وجوه عجاز قرآن را برمی‌شمرد، چنین می‌نویسد: «و منها أنه اقتصر علی إيجاب العبادات و تحريم المنكرات و الحث علی مكارم الأخلاق و الزهد فی الدنيا و الإقبال علی الآخرة»؛ یکی از وجوه عجاز این است که قرآن کریم عبادات را واجب نمود و کارهای زشت را حرام کرد و مردم را به انجام مکارم اخلاق، به دنیاگریزی و توجه به آخرت تشویق نمود» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۱۷/۱۶۶). این سخن فقط عجاز اخلاقی آن هم با رویکرد «گزاره‌ای» را می‌رساند. ایشان در ادامه یکی دیگر از وجوه عجاز قرآن را چنین بیان می‌کند: «یکی دیگر از وجوه عجاز قرآن کریم این است که ریشه تمام علوم است؛ مانند علم کلام، اصول فقه، فقه، لغت، صرف، نحو، معانی، بیان، شخصیت شناسی، اخلاق و هر علمی را که در نظر داشته باشی» (همان: ۱۶۷)؛ بنابراین، از نظر علامه مجلسی قرآن کریم از دو جهت می‌تواند به عجاز اخلاقی نظر داشته باشد: اول عجاز در «گزاره‌های اخلاقی» و دوم عجاز در «نظام اخلاقی» که مانند آنها در هیچ کتاب یا مکتبی دیده نمی‌شود.

در قرن سیزدهم هم عالم بزرگ اخلاق مرحوم سید عبدالله شبّر (م. ۱۲۴۲ق) ضمن بر شمردن وجوه عجاز قرآن به مسئله اخلاقیات قرآن هم اشاره می‌کند: «قرآن مشتمل بر آدابی نیکو و آیینی استوار و طریقی بی‌انحراف در انتظام جامعه و زندگی دنیا و آخرت انسان‌هاست» (شبّر، الاخلاق، ۱۴۲۷: ۱/۱۱۲). از این جمله می‌توان عجاز گزاره‌ها و نظام اخلاقی قرآن را نتیجه گرفت.

۱۷

سده چهاردهم آغاز نوینی در مباحث مربوط به عجاز قرآن بود. نظریات فراوانی از طرف عالمان درباره عجاز قرآن مطرح شد. دکتر مصطفی صادق رافعی (م. ۱۳۲۳ق) نیز درباره وجوه عجاز به تفصیل سخن می‌گوید، اما اصلی‌ترین سخن وی این است که «نفوذ بی‌همانند قرآن در قلب و عقل انسان‌ها باعث شکوه حیرت زای قرآن شده است» (رافعی، عجاز القرآن و البلاغة النبویة، ۱۴۲۱: ۲۰۹). از این سخن وی می‌توان چنین برداشت کرد که یکی از جنبه‌های نفوذ قرآن در زمینه اخلاقیات عرب جاهلی بوده است.

این اندیشه توسط شاگرد وی، فرید وجدی، دنبال شد. فرید وجدی این سؤال را مطرح می‌کند که چرا قرآن کریم پیوسته قلب و جان و اندیشه مخاطبان خود را مقهور و مجذوب خویش نموده است؟ وی پاسخ سؤال خود را در این آیه می‌بیند: ﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا﴾ (شوری / ۵۲)؛ یعنی سخن خداوند روحی است که نازل شده و همین روحانیت قرآن است که در اعماق دل انسان‌ها نفوذ کرده و تمام حیات، عواطف، احساسات و وجود انسان را تسخیر نموده، آفرینشی نو از انسان‌ها پدید می‌آورد (فرید وجدی، دایرة معارف القرن العشرين، بی تا: ۷ / ۶۷۷).

علامه بلاغی (م. ۱۳۵۲ق) اعجاز اخلاقی با رویکرد «گزاره‌ای» و «تحول‌گرایانه» را آشکارتر بیان می‌کند. وی در مقدمه کتاب خود می‌گوید: «جهان در آن زمان در تاریکی اخلاق فرو رفته بود و جهالت بین مردم رواج یافته بود حتی اگر کسی قصد اصلاح نفس داشت و می‌خواست که در رفتار و گفتارش تهذیب اخلاق کند، راه به جایی نمی‌برد جز آن امور کلی که بین مردم رواج داشت. اگر «فیلسوف نمایی» هم قصد داشت که برخی تعالیم اخلاقی را ارائه نماید، لغزش‌های بزرگی را که همراه با جهل و اشتباه بود، مرتکب می‌شد. در این زمان بود که نور قرآن تابیدن گرفت و تعالیمی را به صورت اجمالی یا تفصیلی ارائه نمود که به صورت عادی قابل دستیابی نبود» (بلاغی نجفی، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، ۱۴۲۰: ۱ / ۱۴ - ۱۵).

ایشان در ادامه برخی از جملات جامع اخلاقی قرآن کریم مانند آیه ۹۰ سوره نحل را نقل نموده است.

پس از آن به صورت ضمنی یا صریح، اندیشه اعجاز اخلاقی قرآن توسط نویسندگان عرب و غیر عرب دنبال شد.

در ایران معاصر مرحوم محمدتقی شریعتی به موضوع اعجاز اخلاقی واضح‌تر پرداخته است. وی معتقد است اعجاز قرآن کریم همه جانبه است. «بدون اغراق و مبالغه یا تعصب باید گفت قرآن کریم از همه جهت معجزه است» (شریعتی، تفسیر نوین، ۱۳۴۶: ۱ / ۸۲). وی در جای جای تفسیر خود این جمله را تکرار می‌کند (همان: ۱۰۶) و توضیح می‌دهد که «هرکس در هر رشته‌ای تخصص داشته باشد و به قرآن بنگرد، از همان رشته اقرار به اعجاز قرآن می‌کند. در عین حال، هیچ متخصص نابغه‌ای جمیع مزایای قرآن را در همان فن خود نمی‌تواند درک بکند و باز آنچه را هم درک بکند، از عهده شرح و وصفش بر نمی‌آید» (همان).

مفهوم این جمله این است که اگر کسی متخصص در تاریخ عرب جاهلی باشد و با خلیقات آنان آشنا باشد و بعد از مسلمان شدن آنان را بنگرد، یقین پیدا می‌کند که قرآن کریم از جهت تحول اخلاق جاهلی، معجزه است. البته ایشان به صورت خاص، این موضوع را آشکارا بیان می‌کند و می‌گوید:

«کدام دینی است که مانند اسلام امتحان خودش را داده و از قومی جاهل و منحط و فاسد و سنگدل و بی‌ناموس، نمونه‌های کامل پاکی و پاکدامنی و خیرخواهی و فداکاری و مهربانی به وجود آورده است. کدام آیینی مانند این آیین، آدمی را از هر ناپاکی و آلودگی، پاک و پاکیزه کرده است» (همان، ۱۲۲).

گویا نخستین کسی که در زبان فارسی به صورت مفصل موضوع تحول اخلاقی صدر اسلام را توسط قرآن مطرح کرده، آقای جلال الدین فارسی در کتاب «انقلاب تکاملی اسلام» باشد. در این کتاب که در سال ۱۳۴۹ ش. چاپ شده، چنین نوشته شده است: اسلام به طور عام و قرآن کریم به شکل خاص، انقلابی تکاملی در عصر خود پدید آورد و اگر این انقلاب بخواهد کامل تحقق یابد، مستلزم تحقق چند انقلاب یا تغییر از چند جنبه می‌باشد که مهم‌ترین آنها انقلاب اعتقادی، انقلاب اخلاقی، انقلاب سیاسی، انقلاب اقتصادی، انقلاب فرهنگی و انقلاب نظامی است (فارسی، انقلاب تکاملی اسلام، ۱۳۶۱: ۲۰). از نظر وی، این شش انقلاب یک مجموعه به هم پیوسته، هماهنگ و متحد الاجزاء هستند. ایشان در این باره می‌گویند: «در انقلاب اجتماعی اسلام، مبارزه و نهضت دگرگون سازی از جنبه اعتقادی و اخلاقی آغاز شده و پس از انجام انقلابات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی باز به انقلاب اعتقادی و اخلاقی می‌انجامد؛ زیرا هدف نهایی از جمله این تحولات، تحول در انسان و تعالی روانی او بود» (همان، ۲۴)؛ به عبارت دیگر، نهضت انقلابی اسلام دو دوره داشته است: دوره تکوین ملت و دوره تأسیس دولت. در دوره نخست، نهضت اعتقادی و اخلاقی مقدم بوده و در دوره دوم جهاد سیاسی، اقتصادی و نظامی (همان، ۴۵).

ایشان در کتاب خود، مفصل درباره این شش انقلاب که در صدر اسلام و با ظهور قرآن اتفاق افتاد، سخن می‌گویند و شیوه‌های ایجاد آنها را تبیین می‌نمایند.

طالقانی نیز در تفسیر خود آشکارا موضوع تحول اخلاقی عرب جاهلی توسط قرآن را بیان می‌کند. ایشان می‌گویند: «قرآن با تحوّل که از عمق ضمائر و نفوس سرچشمه می‌گرفت، جهشی در اندیشه‌ها و اخلاق و آداب پدید آورد» (طالقانی، پرتوی از قرآن، ۱۳۵۷: ۲/۱).

ایشان در این تفسیر، نگاه تحول‌گرایانه به اعجاز اخلاقی قرآن داشته است و با این اعتقاد تفسیر خود را نگاشته است و به طور کلی، معتقد است قرآن در همه ابعاد هدایتی معجزه است. علامه طباطبایی (م. ۱۳۶۰ ش) هم کلام مشهوری درباره جامعیت اعجاز قرآن دارند. وی می‌نویسد: «قرآن کریم از حیث بلاغت و فصاحتش برای انسان بلاغی معجزه است و از حیث حکمتش برای حکیمان و از حیث علمش برای دانشمندان و از حیث جامعه‌شناسی برای جامعه‌شناسان و از حیث قوانینش برای حقوقدانان و از حیث احکام سیاسی‌اش برای سیاستمداران و از حیث حکومت‌داری‌اش برای حاکمان و خلاصه برای همه مردم جهان در حقایقی که راهی برای کشف آن ندارند، معجزه است» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۱/ ۶۰).

بنابراین؛ می‌توان نتیجه گرفت که هر کس در هر رشته‌ای تخصص داشته باشد، اگر منصفانه و عالمانه وارد قرآن شود، در همان رشته اقرار به اعجاز قرآن می‌کند. در عین حال هیچ متخصص نابغه‌ای نمی‌تواند همه برتری‌های قرآن را در تخصص خود درک کند. از دیگر منابع مهم در این زمینه، نوشته زبان‌شناس، قرآن‌پژوه، اسلام‌شناس و فیلسوف معاصر توشیهیکو ایزوتسو (م. ۱۹۹۳ م) است. وی دو کتاب در این زمینه دارد که هر دو کتاب به فارسی برگردانده شده است.

کتاب نخست وی در سال ۱۹۶۴ م. با عنوان «خدا و انسان در قرآن» به زبان انگلیسی نوشته شده که توسط احمد آرام ترجمه شده است. وی در پایان کتاب فصلی را با نام «جاهلیت و اسلام» آورده و آن را به بررسی مفهوم و جایگاه خضوع و اطاعت در قبل و بعد از اسلام اختصاص داده است. ایزوتسو به این نتیجه رسیده است که با ظهور اسلام تغییراتی در معانی برخی از واژه‌ها به وجود آمده است (ایزوتسو، خدا و انسان در قرآن، ۱۳۹۲: ۳۸۶).

عمده مباحث تحول اخلاقی ایزوتسو در کتاب «مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن» مطرح شده است. این کتاب در سال ۱۹۶۶ م. نگاشته شده و توسط فریدون بدره‌ای ترجمه شده است. بخش دوم کتاب «از اخلاقیات قبیله‌ای تا اخلاق اسلامی» نام دارد. در این بخش تحوّل معنایی را که اسلام در مفاهیم اخلاقی موجود در جامعه عرب ایجاد کرد، تبیین کرده است. در بخش پایانی کتاب هم به توصیف چند مفهوم عمده اخلاقی در قرآن مانند کفر، نفاق، خوب و بد پرداخته است. وی در این بخش حوزه معنایی هر مفهوم و رابطه‌اش با دیگر مفاهیم اخلاقی - دینی قرآن را که کاری معناشناسانه است، تبیین نموده است.

اخیراً دو مقاله در مجله «قرآن و علم» چاپ شده که اهمیت، تعریف، رویکردها و نمونه‌هایی از اعجاز اخلاقی را آورده است. این دو مقاله که در واقع برگرفته از سلسله دروس استاد رضایی اصفهانی است، جزء نخستین آثاری هستند که به صورت صریح و منسجم به این موضوع پرداخته‌اند، ولی نویسندگان این مقاله‌ها هم اذعان کرده‌اند که این نوشته‌ها آغاز راه است و موضوع مورد نظر به تحقیق گسترده‌تری نیاز دارد (حق پناه، رویکردهای اعجاز اخلاقی قرآن، ۱۳۹۰: ۱۵ - ۳۲؛ اسکندرلو، بررسی اعجاز اخلاقی قرآن، ۱۳۹۰: ۱۰۹ - ۱۲۴). اما نگرشی متفاوت نیز به اعجاز اخلاقی وجود دارد که از طرف برخی از اندیشمندان معاصر ارائه گردیده است. استاد احمد بهشتی در این باره معتقد است که بعد از قرآن کریم، دومین معجزه پیامبر اکرم ﷺ شخصیت اخلاقی وی است و همین شخصیت معجزه‌گونه اخلاقی وی باعث ایجاد تحول در افراد گردیده است (ر.ک: بهشتی، اخلاق النبى الاعظم معجزه الثانية، ۱۴۳۴: ۱۰ - ۱۵).

#### ۴. ویژگی‌های اعجاز اخلاقی قرآن

بنا بر نظریه اعجاز اخلاقی با رویکرد تحول‌گرایانه، دست‌کم باید قبول کرد که قرآن کریم نقشی تاریخی در تحول جامعه عرب عصر نزول داشته است. این تحول‌داری ویژگی‌هایی است که بر اساس آنها می‌توان به تکرار این تحول در دیگر جوامع امیدوار بود. برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های تحول اخلاقی عرب جاهلی که توسط قرآن صورت پذیرفت به شرح ذیل است:

##### الف) مبتنی بودن یا همزمان بودن با تحول اعتقادی

تحول اخلاقی عرب وقتی محقق شد که آنان از لحاظ اعتقادی متحول شدند؛ به عبارت دیگر، تحول اخلاقی عرب جاهلی مبتنی بر تحول اعتقادی آنان بوده است. از وقتی که عرب جاهلی توحید و خداپرستی را به جای شرک و بت‌پرستی پذیرفت، معاد و قیامت را به جای پوچ‌گرایی و دهری‌نگری و پیامبر اسلام ﷺ را به عنوان سخنگوی خدا و رابط بین انسان و خدا پذیرفت و به تبع، تحولی عظیم در رفتارهای اخلاقی آنان پدید آمد. شاهد این مطلب، آیات و سوره‌های مکی است که به گفته مفسران، ویژگی عمده این دوره از نزول، تأکید بر اصول دین است و هدف از نزول این آیات، تقویت بنیه اعتقاد به

مبدأ و معاد است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۵/۷؛ جوادی آملی، تسنیم، ۱۳۸۹: ۱۸/۵۴۵). البته در کنار این هدف، از اصول اخلاق هم غافل نشده است. سوره نحل که از سوره‌های مکی است، به مهم‌ترین اصول اخلاقی یک مسلمان اشاره می‌کند:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِي نَقَضَتْ غَزَلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَىٰ مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا يَبُلُوكُمْ اللَّهُ بِهِ وَلِيُبَيِّنَ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ فَخْتَلِفُونَ﴾ (نحل/۹۰ - ۹۲). در این آیات تصویر روشنی از اخلاق اسلامی و روش مسلمانی بیان شده است.

اسلام به عنوان آخرین و کامل‌ترین دین به دنبال هدفی است که بتواند مکارم اخلاق را در جامعه ترویج دهد.

امروزه وقتی سخن از فلسفه اخلاق به میان می‌آید، مکاتب و نظریات بسیار متنوعی مطرح می‌شود که هر کدام دارای اشکالات و نواقص خاص خود است، اما اسلام با نزول نخستین آیات اعتقادی، فلسفه اخلاق را نیز تعلیم می‌دهد و به یک انسان می‌آموزد که چرا باید رذیلت‌های اخلاقی را ترک کند و فضیلت‌ها را انجام دهد (ر.ک: مطهری، فلسفه اخلاق، ۱۳۹۰: بخش اول؛ مصباح یزدی، فلسفه اخلاق، ۱۳۹۱: ۴۵ به بعد). بر این اساس، عمل به توصیه‌های اخلاقی بسیار راحت‌تر و عمیق‌تر صورت می‌گیرد.

## ب) همه جانبه بودن تحوّل اخلاقی

اخلاقیات یا فردی است یا اجتماعی یا الهی:

۱- اخلاق فردی فضائل و رذائل است که صرف نظر از حیثیت اجتماعی انسان و بدون در نظر گرفتن دیگر افراد، از انسان صادر می‌شود؛ مانند تلاش و جدیت در راه خدا، اسراف و تبذیر، نظم، عجب، ترسو بودن و پیروی نکردن از هوای نفس. در زمان جاهلیت این دسته از اخلاقیات چه خوب و چه بد، رایج بوده است (دراز، دستور الاخلاق فی الاسلام، ۱۴۲۳: ۸۲۷ - ۸۹۰).

۲- اخلاق اجتماعی بایسته‌ها و نبایسته‌هایی است که بر روابط انسان با دیگران حاکم است؛ مانند: دروغ‌گویی، ریا، غیبت، تکبر، انفاق، صداقت و تجسس. برخی از عالمان اخلاق گفته‌اند وقتی اخلاق به صورت مطلق به کار می‌رود، بیشتر به این نوع از اخلاق منصرف است (مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ۱۳۹۳: ۳/۲۳).

۳- اخلاق الهی یا اخلاق دینی: این بُعد از اخلاق عهده‌دار شکل و سامان‌بخشی ارزش‌های حاکم بر رابطه انسان با آفریدگار خویش است؛ بدین معنا که بین انسان و پروردگار خویش هنجارها و ارزش‌هایی وجود دارد که رعایت آنها از طرف انسان لازم است؛ مانند ایمان داشتن به خدا، توکل، خشیت و خداترسی (ر.ک: جوادی، تسنیم، ۱۳۸۷: ۲/ ۳۷۹-۳۷۸).

با توجه به شواهد تاریخی و آیات قرآن می‌توان به این نتیجه رسید که قرآن کریم تحوّل عمیق و متعالی در همه ابعاد اخلاق ایجاد کرد و مردم را چه از لحاظ فردی (که هدف اخلاق فردی، تهذیب نفس بود) و چه از لحاظ اجتماعی (که بر پایه اصلاح روابط بین انسان‌ها بود) و چه از لحاظ الهی (که غایتش رابطه با خالق و قرب به او بود) متحوّل نمود؛ بدین گونه که بهترین و آسان‌ترین راه را برای رسیدن به غایات بیان فرمود.

در تاریخ صدر اسلام، متحوّل شدن افراد مشهوری مانند ابوذر که به گفته مورخان، وی پیش از اسلام به راهزنی مشغول بوده است (ابن سعد، الطبقات الکبری، ۱۴۲۱: ۴/ ۲۳۲ - ۲۳۵) و بعد از اسلام چنان متحوّل شده که پیامبر ﷺ وی را راستگوترین فرد روی زمین معرفی کرده است (ابن ابی‌زینب (نعمانی)، الغیبة، ۱۳۹۷: ۸۲؛ ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ۱۳۹۵: ۱/ ۶۰) یا در فروتنی، وی را با حضرت عیسی ﷺ هم‌ردیف دانسته است (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۲۲/ ۴۲۰). حتی زهد و قناعت وی باعث شد که با ثروت‌اندوزی بسیار زیاد معاویه و عثمان مخالفت علنی کند و همین مخالفت باعث تبعید وی به ریزه شد (یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ۱۴۲۹: ۲/ ۱۷۳؛ بلاذری، انساب الاشراف، ۱۴۱۷: ۱/ ۵۴۲).

افراد دیگری نیز به مانند ابوذر در تاریخ به چشم می‌خورند که از لحاظ فردی، انسان‌های بسیار وارسته‌ای گردیدند (ر.ک: ابن‌اثیر، اسدالغابه).

در زمینه اخلاق اجتماعی نیز تحولات گسترده‌ای رخ داد. در جامعه اسلامی، به ویژه در مدینه، زمانی که پیامبر زنده بودند، روحیه برادری، خیرخواهی، کمک و تعاون به همدیگر، صداقت، تواضع و همدلی میان مردم موج می‌زد. همه اینها به برکت تعالیم قرآن و راهنمایی‌های پیامبر ﷺ بوده است؛ برای مثال، درباره شأن نزول آیه‌ی: ﴿وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْآيْمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَا كَانَ لَهُمْ حَصَصَةٌ وَلَا مَنْ يُوقَ شَحْنَهُ فَإِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (حشر / ۹) چنین نقل شده که پیامبر پس از پیروزی بر یهود بنی‌نضیر به انصار فرمود: اگر مایل هستید اموال و

خانه‌هایتان را با مهاجران تقسیم کنید و در این غنایم با آنان شریک شوید و اگر می‌خواهید اموال و خانه‌هایتان از خودتان باشد، از این غنایم چیزی به شما داده نشود. انصار گفتند هم اموال و خانه‌هایمان را با آنان تقسیم می‌کنیم و هم چشم داشتی به غنایم نداریم و مهاجران را بر خود مقدم می‌داریم (سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ۱۴۰۴: ۸ / ۱۰۶؛ رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۸: ۱۹ / ۱۲۳).

برخی مفسران هم گفته‌اند: این آیه درباره جنگجویان جنگ اُحد نازل شد که هفت نفر از آنان سخت تشنه و مجروح بودند. کسی آبی به مقدار نوشیدن یک نفر آورد و سراغ هر یک از آن هفت نفر که رفت، وی او را به دیگری حواله داد و مجروح دیگر را بر خود مقدم داشت تا سرانجام همگی بدون نوشیدن آب جان دادند (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۱۰ / ۳۹۰).

چه این سبب نزول درست باشد و چه آن و چه هر دوی آنها، خداوند در این آیه می‌خواهد اخلاق اجتماعی و روحیه ایثار و فداکاری مسلمانان را ستایش کند.

### ج) پایدار و متعالی

زمانی که تعالیم اخلاقی قرآن در جان و دل عرب جاهلی نفوذ کرد، شخصیت عرب آن روز به گونه‌ای شد که در شرایط مختلف غیر قابل تغییر گردید. حتی در کنار پیامبر شرایط سختی همچون محاصره اقتصادی، شکنجه‌های مشرکان، جنگ‌های متعدد و هجرت به مدینه را پشت سر گذاشتند، در حالی که چیزی جز استقامت، صبر، توکل، امید، صداقت، زهد و قناعت به صورت پایا و با انگیزه‌ای بسیار قوی از آنان مشاهده نشد.

منظور از متعالی بودن آن است که عرب جاهلی با توجه به آموزه‌های اعتقادی و الگوهای اخلاقی بین خود، به این نتیجه رسید که اگر بخواهد رفتاری از خود بروز دهد که در دنیا و آخرت از آن بهره‌ی کافی را ببرد، باید انگیزه انجام کارهای خود را برای خدا خالص بگرداند و گرنه هم در دنیا و هم در آخرت دچار خسران می‌گردد.

خداوند در انجام برخی از کارهای اخلاقی مانند انفاق، هجرت و جهاد صریحاً می‌فرماید که با نیت الهی انجام دهید: ﴿وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ (بقره / ۱۹۵)، ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ (انفال / ۷۴) و از قول پیامبر به صورت کلی می‌فرماید: تمام رفتارهای اخلاقی و نااخلاقی خود را برای خداوندی انجام می‌دهم که هیچ شریکی ندارد: ﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَ مَخْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ﴾ (انعام / ۱۶۲-۱۶۳).



علامه طباطبایی درباره متعالی بودن اخلاقیات قرآن کریم و منحصر به فرد بودن این روش در اسلام می‌گوید:

تا قبل از بعثت پیامبر ﷺ و نزول آیات قرآن، دو مکتب برای تهذیب نفس و کسب فضائل اخلاقی وجود داشت. یک مسلک مادی‌گرا بود که فواید دنیایی فضائل اخلاقی را در نظر می‌گرفت و شوق به انجام آن را ایجاد می‌کرد؛ برای مثال، چون قناعت باعث می‌شود که آدمی در دنیا عزت یابد و در چشم همگان محترم گردد، پس قناعت عمل پسندیده‌ای است و باید متصف به آن شد. این مسلک در علم اخلاق از فیلسوفان و عالمان یونان قدیم به ما رسیده است و هنوز طرفداران بسیاری در عالم دارد، اما قرآن این روش را قبول ندارد. مسلک دوم در نظر گرفتن فواید و آثار اخروی است. این مسلک، طریقه انبیای پیشین بوده و در کتاب‌های آسمانی نمونه‌های فراوانی از آن دیده می‌شود. قرآن هم از این روش بسیار بهره برده است؛ مانند: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ» (توبه/ ۱۱۱) یا «إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (ابراهیم/ ۲۲).

اما مسلک سومی با نزول قرآن به وجود آمد و در واقع مخصوص قرآن کریم بود؛ یعنی در هیچ کتاب آسمانی و مکاتب فلسفی و حکمای الهی این روش دیده نشده است. این روش بدین گونه است که انسان‌ها را از نظر اوصاف و طرز تفکر به شکلی تربیت کرده که دیگر محل و موضوعی برای ردائل اخلاقی باقی نگذاشته است؛ به عبارت دیگر، ردائل اخلاقی را از طریق رفع از بین برده نه دفع؛ یعنی اجازه نداده که ردائل در دل‌ها راه یابد تا در صدد برطرف کردن آنها برآید.

علامه در توضیح این مطلب می‌گوید: هر عملی که انسان برای غیر خدا انجام می‌دهد یا بدین سبب است که در انجام آن عزتی سراغ دارد و می‌خواهد به آن دست یابد یا به سبب ترس از قدرتی آن را انجام می‌دهد تا از شر آن قدرت در امان بماند. قرآن کریم تمام عزت و قدرت را منحصر در خدا کرده است: «أَيَّتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً» (نساء/ ۱۳۹) و «أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً» (بقره/ ۱۶۵).

حال اگر کسی این حقیقت را درک کند، دیگر در دلش جایی برای ریا، سمعه، ترس از غیر خدا، امید به غیر خدا و اعتماد به دیگران باقی نمی‌ماند؛ در نتیجه، تمام پستی‌ها از دلش زوده شده و متصف به صفات پسندیده الهی می‌گردد.

چنین انسانی نه تنها غیر خدا را اراده نمی‌کند، بلکه نمی‌تواند غیر او را اراده کند و در برابر غیر خدا خضوع نماید یا بترسد یا به او امید داشته و از غیر او لذت ببرد و امور خود را به غیر او سرگرم نماید.

نتیجه اینکه چنین کسی فقط خدا را اراده و طلب کرده و غیر خدا را باطل می‌داند و به آنها اعتنا نمی‌کند. این مسلک که بر اساس توحید خالص و کامل بنا شده است، فقط و فقط در اسلام دیده می‌شود و مخصوص اسلام است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۱/ ۳۵۴-۳۶۰ با تلخیص).

علاوه بر این، برتری این مسلک نسبت به دیگر مسلک‌ها این است که هیچ جایگزینی برای غایت آن وجود ندارد. جلب رضایت و محبت خدا و استمداد از قدرت لایزال الهی امری است که نمی‌توان برایش گزینه جایگزین پیدا نمود، در حالی که در مسلک مادی‌گرا گاهی لذت شخصی زودگذر بر احترام عمومی غالب شده و شخص برای انجام کارهای ناپسند، توجیه‌هایی می‌نماید. همچنین در مسلک آخرت‌گرا گاهی ممکن است انسان دچار وسوسه «سرکه نقد به از حلوا ی نسیه» یا «سیلی نقد به از عطای نسیه» گردد و بلغزد.

#### د) دقیق و حساس بودن

از دیگر ویژگی‌های تحوّل اخلاقی عرب جاهلی این است که بسیار دقیق است؛ بدین معنا که اگر مداومت بر مراقبت نباشد، انحراف از آن بسیار محتمل است و گاه خود فرد متوجه نمی‌شود که از لحاظ اخلاقی در حال سقوط است.

با توجه به ویژگی خاص قرآن در بیان معنا که به تعبیر حضرت علی علیه السلام وجوه معنایی مختلف و حتی متضاد را متحمل می‌شود (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: نامه ۷۷)، این مسئله روشن می‌گردد که حرکت طبق معیار قرآنی برای دستیابی به تحوّل، بسیار دقیق و حساس است؛ بنابراین، اعجاز اخلاقی قرآن در تحوّل اخلاق عمومی جامعه وقتی صورت می‌پذیرد که همه شرایط آن تحقق یابد.

مهم‌ترین شرط یا پیش شرط تحقق تحوّل، تسلیم بودن دل در مقابل حق و حقیقت است و اینکه انسان تابع امیال و خواسته‌های شخصی خود نباشد؛ یعنی مهم‌ترین مانع برای ایجاد تغییر ناگهانی، توجه به خواهش‌های نفسانی و کبر و غرور ورزیدن در مقابل احکام الهی است. چه بسیار افرادی که در جاهلیت زندگی می‌کردند و با ورود اسلام از لحاظ بیش

و ارزش متحوّل گردیدند و بعد از مدتی دوباره به حالت جاهلیت اولیه خود بازگشتند. به همین دلیل است که مداوم در کلمات معصومان علیهم السلام می‌بینیم که مردم را از بازگشت دوباره به حالت جاهلیت بر حذر می‌دارند و برخی از اعمال و رفتارهایی را که مسلمانان انجام می‌دادند، مصداق فرهنگ جاهلی می‌شمردند؛ برای مثال، در احادیث است که نماز انسان شراب‌خوار تا چهل روز پذیرفته نیست و اگر در این چهل روز از دنیا برود به مرگ جاهلی مرده است (طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۴۰۷: ۹/۱۰۶).

همچنین مردن بدون وصیت (قتال نیشابوری، روضة الواعظین، ۱۳۶۸: ۲/۴۸۲)، مالیدن خون عقیقه بر سر نوزاد (ابن بابویه، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۱۴۰۴: ۱/۲۹) و خوردن غذا نزد مصیبت زدگان (همو، ۱۴۱۳: ۱/۱۸۲) از جمله کارهای جاهلی هستند که بعد از اسلام نیز همچنان مسلمانان انجام می‌دادند و در روایات مردم را از انجام دادن آنها بر حذر داشته‌اند. مثال دیگر که حساس بودن تحوّل اخلاقی را به خوبی نشان می‌دهد، جریانی است که در سال پنجم هجری اتفاق افتاد. سیره نویسان این جریان را این‌گونه نوشته‌اند: مسلمانان هنگام بازگشت از جنگ با بنی‌مصطلق کنار چاه «مریسع» توقف می‌کنند. یکی از مهاجران به نام جهجاه بن سعید غفّاری، اجیر عمر بن خطاب، برای آوردن آب بر سر چاه رفت و هنگام برداشتن آب، دلو او به دلو مردی از انصار به نام سنان بن ویر جهنی هم‌پیمان خزرج، گیر کرد و در نتیجه نزاعشان در گرفت و جهجاه سیلی محکمی به گوش سنان زد. سنان هم فریاد «یا للانصار» سر داد و انصار را به یاری طلبید و جهجاه هم «یا للمهاجر» سر داد و از مهاجران استمداد کرد. اینجا بود که شمشیرهای مهاجران و انصار ضدّ یکدیگر کشیده شد و نزدیک بود که فتنه بزرگی برپا شود. عبدالله بن اُبیّ وقتی سر و صدا را شنید، پرسید: چه خبر است؟ و چون ماجرا را برای او گفتند با ناراحتی و خشم گفت: این بدبختی است که شما خودتان به سر خود آوردید. اینان را به خانه‌ها و شهر و دیار خود آوردید و اموال و دارایی خود را بی‌ریا در اختیارشان گذاردید، خود را سیر آنان ساختید و جان خود را فدای ایشان کردید! وقتی خبر این واقعه به گوش پیامبر صلی الله علیه و آله رسید، خطبه‌ای ایراد فرمود: «ما بال دعوة اهل الجاهلیة»؛ چرا به رسم جاهلیت دعوت به قوم‌گرایی می‌کنید! سرانجام با حکمت و درایت پیامبر دعوا خاتمه یافت (ابن‌هشام، السیرة النبویه، ۱۴۱۱: ۳/۷۵۸).

ملاحظه می‌شود که چگونه بر اثر یک لحظه غفلت، جامعه به راحتی از مسیر حق منحرف می‌شود و ارزش‌های دوران جاهلیت را زنده می‌کنند و بر سر موضوع ناچیزی مهاجر و انصار رو در روی هم قرار می‌گیرند که اگر تدبیر پیامبر نبود، این رو در رویی به جنگی خونین تبدیل می‌شد.

از دیگر مصادیق زندگی و مرگ جاهلی بعد از اسلام، کینه داشتن نسبت به حضرت علی علیه السلام (ابن بابویه، علل الشرایع، ۱۳۸۵: ۲/ ۵۱۲) و نشناختن امام زمان علیه السلام (کلینی، الکافی، ۱۴۲۹: ۱/ ۳۷۶) است.

در کنار همه اینها، موضوع دیگری به نام «جهاد با نفس اماره» نیز جلوه‌نمایی می‌کند. جهاد با نفس لازمه تکامل اخلاقی انسان است. پیامبر اکرم فرموده است: «جَاهِدُوا أَهْوَاءَكُمْ كَمَا تُجَاهِدُونَ أَعْدَاءَكُمْ»؛ همان‌گونه که با دشمنانتان جهاد می‌کنید با هوای نفستان جهاد کنید (ورام بن‌ابی فراس، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر المعروف بمجموعه ورام، ۱۴۱۰: ۱/ ۳۷).

جلال‌الدین فارسی درباره ابعاد جهاد با نفس می‌گوید: برای تهذیب و تکامل نفس ما، سه جریان کار تربیتی انجام می‌دهند: ۱- جهاد خدا با نفس ما؛ برگزیدن پیامبران و فرستادان وحی (قرآن)؛ ۲- جهاد دیگران با نفس ما؛ امر به معروف و نهی از منکر؛ ۳- جهاد ما با نفس خودمان؛ عبادت (فارسی، انقلاب تکاملی اسلام، ۱۳۶۱: ۳۱۲).

همه اینها نشان‌دهنده دقیق و حساس بودن راهی است که مسلمانان انتخاب کرده‌اند که اگر یک لحظه خدا را فراموش کنند و به دنبال هوای نفس بروند، هر آنچه را که اندوخته‌اند، از دست می‌دهند.

### نتیجه

۱- اخلاق در قرآن همواره مورد توجه مفسران و عالمان بوده است و هر کس به صورت ترتیبی یا موضوعی به مباحث اخلاقی قرآن پرداخته است.

۲- اعجاز اخلاقی قرآن بدین معناست که قرآن کریم در زمینه اخلاق، روشی جدید آفریده که در صورت پیمودن این روش، بسیار زود به مطلوب می‌رسیم و می‌توان بر اساس آن در همه لایه‌های جامعه تحول اخلاقی ایجاد کرد.

۳- سه رویکرد اساسی در باب «اعجاز اخلاقی» تصور می‌شود؛ رویکرد «گزاره‌ای»، رویکرد «نظام‌واره‌ای» و رویکرد «تحول‌گرایانه». چنین به نظر می‌آید که این سه رویکرد در

نوشته‌های عالمان قرآن پژوه و مفسران از هم تفکیک نشده است و می‌توان ادعا نمود که قرآن کریم از هر سه جهت معجزه است.

۴- پژوهشی که به صورت علمی، منسجم و مفصل «معجزه بودن گزاره‌های اخلاقی قرآن» و «نظام برتر اخلاقی قرآن» و نیز «نقش تاریخی گزاره‌ها و نظام اخلاقی قرآن کریم در تحوّل اخلاقی عرب صدر اسلام» را ارائه کند، نوشته نشده است. به تحلیل مبانی و روش‌های آن و جواب به شبهات مطرح شده درباره آن پرداخته نشده است.

۵- اعجاز اخلاقی قرآن «در تحوّل جامعه» دارای این ویژگی‌هاست: بر اساس اصول و مبانی اعتقادی بنا شده است؛ همه جوانب زندگی انسان را پوشش می‌دهد؛ متعالی است و در صورت مراقبت از آن پایدار می‌ماند؛ دقیق و حساس است، به گونه‌ای که انحراف از آن بسیار محتمل است و خطر لغزش در آن هر لحظه امکان دارد؛ بنابراین، اگر کسی بخواهد در این مسیر قرار گیرد و سیر تکاملی خود را طی کند، باید آداب و شرایط این مسیر را نیز گردن نهد و از دل و جان پذیرای آن باشد.

## فهرست منابع

۱. ابن ابی زینب (النعمانی)، محمد بن ابراهیم، الغیبة، تهران: نشر صدوق، ۱۳۹۷ق.
۲. ابن اثیر، علی بن محمد جزری، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.
۳. ابن بابویه (شیخ صدوق)، علل الشرايع، قم: کتابفروشی داوری، ۱۳۸۵ش.
۴. ابن بابویه (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۵. ابن بابویه (شیخ صدوق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۴ق.
۶. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، تهران: اسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق.
۷. ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، تحقیق علی محمد عمر، قاهره: مکتبه الخانجی، ۱۴۲۱ق.
۸. ابن میثم بحرانی، علی، قواعد المرام فی علم الکلام، تصحیح و تحقیق أنمار معاد المظفر، بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۴۳۵ق.
۹. ابن هشام، أبو محمد عبدالملک، السیره النبویه، تحقیق طه عبد الرؤوف سعد، بیروت: دارالجيل، ۱۴۱۱ق.
۱۰. اسکندرو، محمدجواد و اکبر محمودی، «بررسی اعجاز اخلاقی قرآن»، مجله قرآن و علم، قم: پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، ش ۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۰ش.
۱۱. ایزوتسو، توشیهیکو، خدا و انسان در قرآن، ترجمه أحمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ هشتم، ۱۳۹۲ش.
۱۲. ایزوتسو، توشیهیکو، مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن، ترجمه فریدون بدره ای، تهران: فرزانه روز، چاپ دوم، ۱۳۸۸ش.
۱۳. آلوسی، محمود شکری، بلوغ الارب فی معرفه احوال العرب، بیروت: منشورات دارالشرق العربی، ۱۴۱۷ق.
۱۴. بلاذری، أحمد بن یحیی، انساب الاشراف، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۷ق.
۱۵. بلاغی نجفی، محمد جواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم: بنیاد بعثت، ۱۴۲۰ق.
۱۶. بهشتی، احمد، مقاله «اخلاق النبی الاعظم صلی الله علیه و آله معجزته الثانية»، قم: مجله الکوثر، ش ۲۸، رجب ۱۴۳۴ق.

۱۷. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم: اسراء، ۱۳۸۹ش.
۱۸. جوادی، محسن، «اخلاق»، دایرة المعارف قرآن کریم، ج ۲، ۱۳۸۷ش.
۱۹. حتی، فیلیپ خلیل، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: کتابفروشی زوار، چاپ دوم، ۱۳۶۶ش.
۲۰. حق پناه، رضا و مهدی عبادی، «رویکردهای اعجاز اخلاقی قرآن»، مجله قرآن و علم، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ش ۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۰.
۲۱. دراز، عبدالله، دستور الاخلاق فی الاسلام، ترجمه عبدالصبور شاهین، کویت: دار البحوث العلمیه، ۱۹۷۳م.
۲۲. رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیرالقرآن، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
۲۳. رافعی، مصطفی صادق، اعجاز القرآن و البلاغة النبویة، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ سوم، ۱۴۲۱ق.
۲۴. رضایی اصفهانی، محمدعلی، علوم قرآن ۲، قم: جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۹۲ش.
۲۵. رضایی اصفهانی، محمدعلی، منطق تفسیر قرآن ۵ (قرآن و علوم طبیعی و انسانی)، قم: جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۹۲ش.
۲۶. سالم، عبدالعزیز، تاریخ عرب قبل از اسلام، ترجمه باقر صدری نیا، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۸۳ش.
۲۷. سیدی، سیدحسین، سیر تاریخی اعجاز قرآن، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۲ش.
۲۸. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت الله نجفی مرعشی، ۱۴۰۴ق.
۲۹. شبر، سیدعبدالله، الاخلاق، قم: ذوی القربی، ۱۴۲۷ق.
۳۰. شریعتی، محمد تقی، تفسیر نوین، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۶ش.
۳۱. طالقانی، محمود، پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم، ۱۳۵۷ش.
۳۲. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۳۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.

۳۴. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تحقیق حسن الموسوی خراسان، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۳۵. غزالی، أبوحامد محمد، إحياء علوم الدين و بهامشه تخريج الحافظ العراقي، بيروت: دارالكتاب العربي، بی تا.
۳۶. فارسی، جلال‌الدین، انقلاب تکاملی اسلام، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱ش.
۳۷. فتال نیشابوری، محمد بن حسن، روضة الواعظین، قم: بیدار، ۱۳۶۸ش.
۳۸. فریدوجدی، محمد، دایرة معارف القرن العشرين، بيروت: دار المعرفه، بی تا.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم: دارالحديث، ۱۴۲۹ق.
۴۰. متقی هندی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تحقیق بکری حیانی و صفوة السقا، بيروت: مؤسسة الرساله، ۱۴۰۱ق.
۴۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بيروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۴۲. مصباح یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، چاپ هفتم، ۱۳۹۳ش.
۴۳. مصباح یزدی، محمدتقی، فلسفه اخلاق، چاپ ششم، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۱ش.
۴۴. مطهری، مرتضی، فلسفه اخلاق، تهران: صدرا، چاپ سی پنجم، ۱۳۹۰ش.
۴۵. مهدوی کنی، صدیقه، ساختار گزاره‌های اخلاقی قرآن، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۶ش.
۴۶. مؤدب، سیدرضا، اعجاز القرآن در نظر اهل بیت عصمت علیهم السلام و بیست نفر از علمای بزرگ اسلام، قم: احسن الحديث، ۱۳۸۶ش.
۴۷. نهج البلاغة، تحقیق صبحی صالح، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۴۸. ورام بن أبی فراس، مسعود بن عیسی، تنبيه الخواطر و نزهة النواظر المعروف بمجموعة ورام، قم: مكتبة فقيه، ۱۴۱۰ق.
۴۹. یعقوبی، أحمد بن أبی یعقوب، تاریخ الیعقوبی، تحقیق عبدالامیر مهنا، بيروت: دارصادر، ۱۴۲۹ق.